

گفت و گو با هوشنگ امیراحمدی

رییس شورای امریکایی - ایرانی (AIC) (۴)

به دنبال اعتراضات پرمنازعه ای که گروه کثیری از ایرانیان برون مرزی نسبت به تشکیل کنفرانس «شورای امریکایی - ایرانی» (۳ آگست ۲۰۰۲) بروز دادند، آقای هوشنگ امیراحمدی، رییس ایرانی این شورا، و آقای اکبر قهاری، خزانه دار آن، در یک جلسه مطبوعاتی شرکت کردند و به پرسش های آقای بیژن خلیلی (از هفته نامه ی ایران شهر)، و آقای سهراب اخوان (از رادیو ایران ۶۷۰ ام.ای.ام) پاسخ دادند. ایران شهر، که در شماره های گذشته، خوانندگان خود را در جریان کیفیت ها و انگیزه های کنفرانس AIC قرار داده بود، چاپ شرح کامل این گفت و گو را نیز ضروری می داند. اما از آن جا که طول این گفت و گو با گنجایش ایران شهر هماهنگ نیست، و از آن جا که این گفت و گو، از نظر مسائل جاری در ایران حائز اهمیت است، به ناگزیر، از ایران شهر شماره ی ۱۶۰ به چاپ متن این گفت و گو، به صورت بخش های مسلسل اقدام کرده ام.

۶

ایران شهر

IRAN SHAHR WEEKLY VOL 9, NO 193, Friday, September 6, 2002

گفتگو با هوشنگ امیراحمدی...

بقیه از صفحه ۱

وقت نخواست هزینه بپردازد، همیشه هزینه را داد یکی دیگر بپردازد، تمام نیروهایی که دنبال خاتمی بودند هزینه پرداختند غیر از شخص خود آقای خاتمی، و یکی از ایرادهایی که من به خاتمی می گیرم همین است. شما نمی توانید رهبر باشید و هزینه نپردازید، چرا بهنود، پورزند، حجابریان و دیگران باید هزینه بپردازند. اگر تور رهبر این جنبش هستی بیا وارد این میدان شو. متأسفانه خاتمی بزرگ ترین اشکالش این است که می خواهد هم رهبر باشد، هم دمکراسی کند، هم خانه را جارو کند، هم خاک توی چشمش نرود.

در رابطه با این که گفتید که چرا امیر احمدی این قدر دشمن دارد، باید در ادامه ی صحبت های دکتر قهاری (که خیلی از ایشان متشکرم) باید بگویم که الان میلیون ها میلیون ایرانی، آمریکایی و هزاران ایرانی - آمریکایی طرفدار ایده ی ما هستند. من دیشب مشخصاً گفتم که رابطه ی بین ایران و آمریکا را ۸۰ درصد مردم ایران می خواهند. در همین کشور اکثریت مردم آمریکا چندین بار در آراء عمومی از رابطه ی عادی بین ایران و آمریکا حمایت کرده اند. به نظر من اگر از ایرانی های آمریکایی آمار بگیریم، من قول می دهم اکثریت قریب به اتفاق موافق رابطه هستند.

اما ما یک سری مسائلی داریم که: این رابطه باید چگونه برقرار شود. مثلاً آقای بیژن خلیلی مخالف رابطه با آمریکا نیستند. ایشان نظرشان این است که جمهوری اسلامی حکومتی نیست که این رابطه باهاش برقرار شود، که این ۲ تا مسئله ی متفاوت است.

یک عده ی دیگر می گویند که با نفس این رابطه مشکل ندارند بلکه با نفس این حکومت (جمهوری اسلامی) مشکل دارند. عده ای دیگر هم می گویند که با همین حکومت هم می شود به نوعی رابطه ایجاد کرد یا حداقل از این رابطه حرف بزنیم چون نوعی مقاومت است. بنده می خواهم بگویم افرادی که دیشب به ما اعتراض کردند طبق گزارش رسمی پلیس ۳۰ نفر بودند، حالا ما می گویم ۲۰ نفر را هم شمارش نکردند یعنی می شود ۵۰ نفر، ببینید ما در یک شهر سیصد هزار نفری (جمعیت ایرانی ها) هستیم. رادیو تلویزیون های این شهر بیش از ۲ هفته تبلیغات منفی بر علیه ما کردند و ما خودمان هیچ وسیله ای نداشتیم که از خود دفاع کنیم و هیچ صدایی نداشتیم که این عکس این است.

● خلیلی: شما به کدام یک از رسانه ها خبر دادید که شما چنین برنامه ای دارید و هدفتان چیست؟

▲ امیراحمدی: ما رسماً از آنان دعوت کردیم.

● خلیلی: دعوت کردید؟

▲ امیراحمدی: بله، ما دعوت نامه ی رسمی و کارت پست کردیم. حالا باید ببینم این ها چه شده است. مثلاً آقای میبیدی را من خودم از رادیو در لندن شنیدم که می گفت: بنده را دعوت کرده اند. من در این جلسه دعوت هستم ولی مردم من نمی روم برای این که این جلسه یک جلسه ی مخفی است که می خواهد رابطه ی بین ایران و آمریکا را درست کند». خنده ام گرفت. آقای میبیدی شما دعوت شده اید بیایید بعد به مردم می گوید این جلسه مخفی است. آقای میبیدی من را خوب می شناسد پارسل حدود شش ساعت نشستیم با هم نوار ضبط کردیم (مصاحبه کردیم).

حالا آقای میبیدی در این شهر زندگی می کند و فکر می کند که دیگه الان جو و مد بدین گونه است که به امیراحمدی باید بدوبیره گفت. به این کنفرانس باید بدوبیره گفت برای این که یک عده ای آن جا هستند که این اگر بدوبیره نگوید، می گویند پس این چه رادیویی است که شما راه انداخته اید. واقعیت این است که، خیلی شخصی می گویم من آقای میبیدی را دوست شان دارم، هنوز هم از او دلخوری ندارم اما ایشان... به قول آمریکایی ها fare نبود که...

● خلیلی: چه کسی و چه سازمانی مسئول بود که این دعوت نامه ها را به رسانه ها ببرد؟

▲ امیراحمدی: سه تا از اعضای هیئت رئیسه این جا هستند من نمی خواهم اسم ببرم. از طریق آن ها ما تمام دعوت نامه ها را در یک پاکت گذاشتیم، فدرال اکسپرس کردیم. این آقایان گرفتند و پخش کردند. بنده خودم به چند نفر زنگ زدم. به عنوان نمونه به عباس پهلوان زنگ زدم ایشان از دوستان قدیمی بنده بوده اند. من وی را از سال های ۷۳ - ۷۲ می شناسم. من شاعر و نویسنده بودم، در روزنامه ی فردوسی مطلب می نوشتم. مجله ی «باران» را من در ایران راه انداختم. کاری ندارم. ما پای مشروب شان بودیم با آقای دستغیب در افق طلایی. من خودم شخصاً از پهلوان دعوت کردم، ولی ایشان مقصر نیست که نیامد چون ما محل کنفرانس را عوض کردیم. به خاطر این که هتل «بورلی هیلتون» نامه ای کتبی به ما فرستادند که «ما و مهمانان ما را دارند تهدید می کنند. ما معتقدیم که این جلسه برای ما امنیت ندارد. به همین دلیل ما قرارداد را فسخ می کنیم.» (دیشب آقای آتابای می گفت که شما محل کنفرانس را تغییر داده و از ما مخفی کردید). خبلاصه سه روز مانده بود به جلسه، ما اقتادیم دنبال محل کنفرانس. با توجه به این که تمام دعوت نامه ها آدرس شان هتل «بورلی هیلتون» بود.

ادامه دارد

می بریم. اما چیزی که شورا را وارد این جریان می کند چگونگی تأثیری است که دعوی آمریکا و عراق روی ایران می گذارد و شورا این را بررسی می کند. ما مشخصاً نیروی صلح دوست هستیم. ما برای ایجاد دعوا نیامده ایم، شورا عقیده ندارد که بین ایران و آمریکا جنگ بیندازد. ما مخالف جنگ و تحریم هستیم. ما معتقد هستیم جنگ جز ضرر برای هیچ ملتی چیزی نداشته است.

● خلیلی: مخالفین شما می گویند که شما با خانواده های موثر در ایران به ویژه هاشمی رفسنجانی رابطه دارید؟

▲ امیراحمدی: عرض کنم حضورتان، من رابطه ی شخصی با هیچ کدام این ها ندارم. من چند بار آقای رفسنجانی را دیدم، پسرش را دیده ام، خانم فائزه هاشمی را می خواستم بنا به خواسته ی خودش به آمریکا بیاورم که نشد، یعنی پدرش نگذاشت. با آقای خاتمی ملاقاتی هم در نیویورک هم در ایران داشته ام و آقای خامنه ای را چند بار در کنفرانس ها دیده ام. یادتان باشد بنده بین سال های ۷۹ تا ۸۶ حتی پاسپورت هم نداشتم و نمی توانستم به ایران بروم. من از مخالفین این انقلاب بودم. دولت جمهوری اسلامی اولین کاری که کرد پاسپورت مرا گرفت. از سال ۸۶ به بعد یواش یواش که (دوره ی بازسازی پس از جنگ) شروع شد چون تخصص من در بازسازی است سالی یکی دو بار به کنفرانس ها دعوت می شدم و در این کنفرانس ها برخوردهایی با این آقایان داشتم. همانطور که می دانید معمولاً کنفرانس ها را رییس جمهوری افتتاح می کند و یک سری وزرا هستند، بعد یک برنامه شام هست که در آن دیدارهایی در جمع صورت می گیرد. من هیچ وقت، هیچ وقت هیچ ملاقات خصوصی نه با آقای هاشمی، نه آقای خاتمی، نه آقای خامنه ای و نه هیچ کدام از اعضای خانواده شان نداشتم.

● اخوان: دوباره این مطلب را تکرار کنید.

▲ امیراحمدی: من در تمام مدتی که به ایران می رفتم و می آمدم و یا در این کشور بودم در این مدت بیست و چند سال که جمهوری اسلامی آمده، من با هیچ کدام از این ها یعنی رهبران سیاسی جمهوری اسلامی هیچ ملاقات خصوصی نداشتم. ام. آقای خاتمی و خامنه ای را خصوصی ندیده ام. من در جلسات ۱۰ نفره ۳۰ نفره ۱۵ نفره آن ها را دیده ام، هیچ وقت آن ها را خصوصی ندیده ام همش در جمع بوده. با خانواده هایشان هم همینطور. با پسر آقای رفسنجانی، مهدی هاشمی در جلسه ای در وزارت نفت در جمع ناهار خورده ام. اصولاً مخالف هستم که... یادتان باشد من قبل از این که سیاسی باشم، دانشجویی هستم. من استاد تمام وقت «راتگرز» هستم. سال ها رییس بخش خاورمیانه بوده ام. یکی از دلایلی که وارد رابطه ی ایران و آمریکا شدم این بود که تخصصم بود. من ۱۱ سال رییس بخش مطالعات خاورمیانه بوده ام و ۶ سال رییس دانشکده ی دانشگاه خودمان بودم. الان هم استاد تمام وقت هستم. کارم این است.

بنابراین من قبل از سیاسی بودن، آکادمیک هستم. اما اعتقاد دارم سیاسی هستم. نه تنها من بلکه همه ی ما سیاسی هستیم. منتهی درجات سیاست مختلف است. اگر کسی به تو می گوید سیاسی نیستم یا نمی داند سیاست یعنی چه، یا دارد سرت کلاه می گذارد. اصلاً کسی که می رود رأی می دهد سیاسی است. سیاست چیزی از وجود ماست. شما در اقتصاد هم مجبور هستید با سیاست مداران برخورد کنید حتی آدمی که فرهنگی فرهنگی است، سیاسی است. ولی سیاسی بودن هم درجات مختلف دارد. یکی سیاسی به معنای این که خودش را سازمان می دهد قدرت سیاسی بگیرد یا در قدرت شریک شود یا در سیاست های دولت تأثیر بگذارد. درجات مختلف و طبیعت آدم سیاسی فرق می کند.

● خلیلی: به عنوان آخرین صحبت، شما با توجه به این که دلتان می خواهد رابطه ی دمکراتیکی بین دو دولت بوجود بیاورید یا حداقل در آن تأثیر داشته باشید، فکر می کنید بشود دولتی که یک قانون اساسی دارد به نام «قانون مقدس اساسی جمهوری اسلامی» بشود چنین رابطه ی دمکراتیکی برقرار کرد؟

▲ امیراحمدی: بنده اعتقاد دارم تا جمهوری اسلامی دمکراتیک نشود رابطه، دمکراتیک نخواهد بود. اصولاً بنده به جمهوری اسلامی دمکراتیک معتقد نیستم. من بارها مواضعم را گفته ام که جمهوری اسلامی مشخصات یک جامعه ی دمکراتیک را ندارد. متأسفانه انتظار می رفت از آقای خاتمی (مردم ایران این انتظار را داشتند) که ایشان هم موفق نشد. من هیچ وقت، هیچ وقت انتظار نداشتم که آقای خاتمی بتواند کار مهمی انجام دهد. من این مسئله را با مانوک خدابخشیان که مصاحبه ی مفصلی در این زمینه داشتم، مطرح کردم. اعتقاد من این بود که این حرکت، حرکت بسیار مهمی است ولی متأسفانه که این حرکت نتیجه ای نداد (گرایش مردم به شعارهای خاتمی). من به شخصه معتقدم آقای خاتمی آدم خوبی است، یعنی دستش تا آنجایی که من می دانم به خون کسی آلوده نشده است. به طور شخصی آدم خوبی است، آدمی است که واقعا اعتقاد دارد که در اسلام می شود دمکراسی ایجاد کرد. حالا اشتباه می کند یا نه، بماند. من همیشه گفته ام که آقای خاتمی رهبر خوبی نیست. یک رهبر خوب کسی است که برای ایده اش باید هزینه بپردازد. آقای خاتمی چنین رهبری نیست. هیچ

فعالیت شان از طریق شورا است چون شورا از حفظ حقوق بشر حمایت می کند بنابراین آن ها هم از موضع و عقیده ی شورا حمایت می کنند.

● خلیلی: آخر شورا که رابطه ای با دولت ایران ندارد؟

▲ امیراحمدی: نخیر. ولی ما خواستار آن هستیم که این رابطه ایجاد شود و شرط ایجاد رابطه یکیش حقوق بشر است. مثلاً فرض را می گیریم که این شورا وجود ندارد چه اتفاقی بین دو دولت ایران و آمریکا می افتد؟ پاسخ این است که آن ها سریعاً رابطه را برقرار می کنند. در واقع شورا خود شرایطی دارد و مانعی در این راه است یعنی Watch Dog است. ما رابطه به هر قیمتی نمی خواهیم ما رابطه ی زمان شاه را نمی خواهیم چون نابرابر بود. ما یک رابطه ی سالم و دمکراتیک می خواهیم بر اساس احترام متقابل و منافع متقابل و این رابطه باید دمکراتیک باشد. می دانید امکان ندارد که یک دولت غیردمکراتیک با دولت دمکراتیک رابطه ی دمکراتیک برقرار کند. من اعتقاد دارم که رابطه ی آمریکا با عربستان سعودی یا مصر و... غیر دمکراتیک است.

البته از نظر شخصی این کار (شورا) چیزی جز ضرر برای ما ندارد. صرف وقت و انرژی و... ولی ما اعتقاد داریم که بهتر است در این رابطه بمانیم. این خدمت بزرگی است و به نفع مردم ایران است. ما باید در درون این رابطه سازمان یافته باشیم. بنابراین کمپانی های نفتی که به ما پول می دهند، بله آن ها هم به حقوق بشر اعتقاد دارند ولی اینها set up شده اند که بیزنس کنند و بیزنس می گوید که من مسئولیت اجتماعی ندارم. من درست شده ام که یک محصول را با هزینه ی کمتر، کیفیت خوب و سرویس و خدمات عالی تولید کنم و این مسئولیت اجتماعی من است. اگر من کالایی را بفروشم که کیفیتش خوب نیست یا سرویس خوبی ارائه نمی دهم پس من حقوق بشر را رعایت نکرده ام. این جنبه ی حقوق بشری آن هاست.

حالا خارج از آن، دولت می آید شما را می گیرد به خاطر این که مخالف سیاسی اش هستید پسون می گوید ما یک حزب سیاسی داریم. ما human watch right international داریم یک نیروی سیاسی آن جا هست که باید بیاید و... می خواهم بگویم که یک تقسیم کار بین المللی است که به کمپانی ها می گوید که شما باید این کار را بکنید. متأسفانه ما در ایران هیچ وقت قبول نکرده ایم که تقسیم کار باید باشد. مثلاً حاضر نیستیم بگویم در ایران سیاسی کاری یا سیاست مداری باید در درون حزب باشد. ما سیاست مداران را در دانشگاه ها تربیت می کنیم، در این کشور (آمریکا) سیاست مدارها در احزاب تربیت می شوند.

اینجا تمام سیاست مدارها، رییس جمهوری ها و شهردارها در درون حزب ها درست می شوند. در ایران سیاست مدارها را از کوچه، خیابان، از دانشگاه و مدرسه و بازار می کشند بیرون. چون ما حزب سیاسی نداریم، تمام جامعه ی ما سیاسی زده است. کارخانه ها سیاسی زده هستند، تاکسی ها سیاسی زده هستند، همه سیاسی زده هستند. شما در تهران تا سوار تاکسی می شوید راننده ی تاکسی یا مسافر آن یک نگاهی به شما می کند اگر شما ریش نداشته باشید، شروع می کند به بد و بیراه گفتن به دولت. پس این مملکت همه اش سیاسی است. اگر این آدم این حرف را نزند، می ترکد. چون این فرد جایی را ندارد، حزبی ندارد که برود حرفش را بزند و در چارچوب آن، مبارزه ی خود را سازمان بدهد. بنابراین در اماکن عمومی، در خانه، در تاکسی و در دولت حرفش را می زند و نظرش را مطرح می کند.

● اخوان: شما آقای امیراحمدی، آیا خودتان را آدم سیاسی می دانید؟

▲ امیراحمدی: بله بنده آدم سیاسی هستم. ● اخوان: به عنوان یک آدم سیاسی اگر آمریکا به عراق حمله کند ما ایرانی های مقیم خارج از کشور چه وجهه ای باید داشته باشیم؟ ▲ امیراحمدی: قبل از هر چیز باید بگویم که ما ایرانی های مقیم آمریکا چون آمریکایی هستیم، باید در چارچوب منافع ملی این کشور از دولت آن حمایت کنیم. ایرانی هایی که شهروند این کشور هستند قبل هر چیز آمریکایی هستند. من به شخصه اعتقاد دارم از تصمیمی که دولت آمریکا می گیرد کاملاً بدون شرط حمایت می کنم.

● اخوان: در این صورت شورا چه فعالیتی خواهد داشت؟

▲ امیراحمدی: شورا برنامه اش اصلاً رابطه ی آمریکا و عراق نیست. چون ما یک سازمان آمریکایی هستیم مثل همه از دولت آمریکا حمایت می کنیم. ولی در عین حال چون سازمانی نیستیم که آلت دست دولت باشیم هر جا که ببینیم رییس جمهوری یا نمایندگان مجلس اشتباه کرده باشند جلسه ی نقد می گذاریم به عنوان سازمان یک جامعه ی مدنی، ما نقد خواهیم داد، advice خواهیم داد، تجزیه تحلیل خواهیم کرد، سعی خواهیم کرد دولت مان تصمیم درست بگیرد. تا جایی که بتوانیم تمام قدرت مان را در این رابطه بکار